بسم الله الرحمٰن الرحیم

الحمد لله الذی هدٰنا لهٰذا وما کنا لنهتدی لولا ان
هدٰنا الله والصلوٰة والسلام علیٰ سیدنا ومولانا محمدن
المبعوث بالمعجزات والکتاب الکریم وعلیٰ اٰله واصحابه
خصوصا علی الخلفاء الذین قاموا بنصرة الدین القویم
اما بعد بر ضمیر اشراق تخمیر وانصاف پذیر هر صغیر و کبیر مخفی و محتجب مباد
که این احقر العباد خادم الطلبه فقیر محمد عظیم غفر الله له ولوالدیه مانند دوازده
سال گذشته است که سکونت در محله خلیوره من محلات شهر عظیم آباد پتنه دارد
بجز شغل درس و تدریس با هر دیگر از قبیل بحث و تقریر با اهل مذاهب

مخالف میل طبیعت خود ندانست بلکه این روش و اطوار نزد فقیر
مکروه و بیهوده می‌نمود لیکن آخر الامر مردی از مردمان اهل تشیع مسمی میان
علی جان که با فقیر ربط سلام علیکم میداشت و دوکانش اثنای راه
غریبخانه فقیر و مسجد واقع شده است و اکثر اوقات اتفاق مرور و آمد و رفت در
فقیر قریب دوکانش می‌افتاد روزی از روزها سوال در باب
متعه از فقیر نمود که نکاح متعه را حضرت جایز فرموده و خلیفه ثانی در عهد
خود آنرا حرام کرد و خلاف حکم حضرت نمود چنانچه در صحیح بخاری و مسلم
که از اصح کتب سنیان اند موجود است فقیر جواب داد که جناب رسالتمآب
صلی الله علیه وسلم اول الامر اهل متعه را حکم حلال فرموده بود و بعد از آن
هر دو را منسوخ ساخته حکم حرام نموده و آن کسانرا که خبر حکم حرمت نرسیده
بود خلیفه ثانی در عهد خود ایشانرا خبر داد و مطلع ساخت نه که از جانب خود
حکم حرام فرمود مطلب صحیحین اینست و آنچه که شما فهمیده اید محض غلط و
بی اصل است چون طرف ثانی ساکت شد بعد از آن فقیر هم سوال کرد

که خلافت را شما منکر هستید و حال آنکه خلافت از آیت قرآن که در سورهٔ
نور موجود است ثابت است بلکه از پیشین گوییهای قرآن و معجزات
سید المرسلین است و آنکه منکر خلافت است منکر قرآن است و حکم منکر
قرآن ظاهر و باهر است چونکه طرف ثانی علم نداشت طلب تحریر مضمون
آیت نمود که از علماء و مجتهدین خود جوابش بیارد فقیر اگرچه در آن وقت
وعدهٔ تحریر نمود لیکن بعد از آن چندروز اغماض و تساهلی
ورزید باین خیال که درین زمانه تحریر و تقریر محض ناسود است
چرا که این قصهٔ کهنه را بزرگان دین و پیروان راه یقین بارها ثبت
تازه نموده اند مگر احدی از اهل تشیع براه صدق و صفا از دین متین بداد
و از مرکب نفسانیت و ناحق شناسی و پاسداری مذهب آبا و اجداد
فرو نیفتاد من در چه جایم که در تحصیل حاصل دم زنم آخرکار طرف ثانی
پیش دیگر شیعیان هم تذکره نمود و ایشان هم در پی طلب تحریر شدند
و بار بار تقاضهٔ تحریر نمودند حتی که بطور استهزا و تشنیع سلام علیکم کردن آغاز نمودند

فلاجرم بحکم الحق یعلو ولا یعلی آیت مثبت حق ومزیح شک وشبہ را
تسوید وتحریر نمودہ حوالہ ایشان نمودہ شد اینست باعث تحریر وتسطیر
واین نوشتہ را مدت دو سال شدہ است لیکن ہنوز جواب
معقول کسے نداد لہذا این رسالہ مسمی باثبات الخلافت
بالقرآن واسکات المنکرین بالبرہان گردید پس
التماس از ارباب بلاغت وبصارت فریقین آنکہ نظر را از ساحت
فصاحت الفاظش باز داشتہ اصل مدعی ومعنی را ملاحظہ فرمایند چہ کہ
فقیر در تحریر عبارت فارسی چندان مہارت ندارد واللہ علی ما
اقول وکیل چہ میفرمایند علماء امامیہ در آیت سورہ نور کہ از پیشگوئیہای
قرآن ومعجزات ودلایل ثبوت نبوت جناب رسول مقبول صلی اللہ
علیہ وسلم است وشان نزول آن اینست کہ فقرای مہاجرین بعد از
ہجرت بمدینہ در منازل انصار جای گرفتند وقریش باآنکہ اکثر از قبایل
عرب کہ گرد مکہ ویثرب بودند بر محاربہ ایشان اتفاق نمودہ شب وروز

پیغامهای تهدید آمیز و سخنان فتنه انگیز میفرستادند و مهاجرین
اکثر اوقات سلاح با خود داشتندی و روزگاری به هول و هراس
میگذرانیدندی روزی با یکدیگر گفتند آیا زمانی بر ما درآید که خود را
ایمن و مطمئن بینیم و بفراغت خاطر بساط سلامت و عافیت بنشینیم
پس حق سبحانه تعالی برای تسلی و تسکین ایشان این آیت بطور
وعده نازل فرمود و سوگند خورد که هر آینه ایشان را خلیفه
گرداند در زمین کفار از عرب و عجم چنانچه ارشاد فرموده

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

وعده داده است خدا آنانرا که ایمان آوردند از شما و عملهای شایسته کردند البته خلیفه سازند ایشانرا

فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ

در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنانرا که پیش از ایشان بودند و البته محکم کند برای ایشان دین ایشانرا آن دین

الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا يَعْبُدُوْنَنِيْ

که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند مر ایشانرا بعد از ترس ایشان ایمنی پرستش کنند مرا

لَا يُشْرِكُوْنَ بِیْ شَيْئًا ۭ وَمَنْ كَفَرَ

شریک مقرر نکنند با من چیزے را وہر کہ ناسپاسی کند

بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝

بعد ازین پس الجماعۃ ایشانند فاسقان ؛

یعنی درین آیت حق سبحانہ تعالی برای رسول مقبول صلے اللہ علیہ وسلم
واصحاب وچند چیز وعدہ فرمود وخبر داد کہ ایشانرا عطا خواہد کرد اول وعدۂ
خلافت در زمین کفار از عرب وعجم چنانچہ خلیفہ نمود بنی اسرائیل را در ملک مصر
وشام بعد جبابرہ وحضرت داؤد علیہ السلام را کہ یا داؤد انا جعلناك
خليفة في الارض وارد است ثانی وعدہ تمکین وتثبیت وقرار دادن
دین وشریعت جناب رسول مقبول صلے اللہ علیہ وسلم کہ مرضی ومقبول وپسندیدہ
خدا است وثالث وعدہ از الخوف از ایشان کہ از کفار
واعداء دین بود ایشانرا وہم ارشاد فرمود کہ این ہمہ نعمتہا از جہت
صدق وخلوص عبادت ایشان است وبعد از ان خبر داد کہ ہر کسان

که کفران و ناسپاسی این نعمتها خواهند ورزید پس آن گروه از فاسقان خواهند بود پس این آیت را مطابقت و مصداق ضرورست که این همه اخبار ها کدام زمانه واقع شده است چراکه حق سبحانه تعالی خلاف وعده خود هرگز نمی سازد چنانچه می فرماید اِنَّ اللّٰہَ لَا یُخْلِفُ الْمِیْعَادَ پس ایفای و انجاز این وعده ها در کدام زمانه بوده است و از کدام کس ادا شده است پس نزد اهل سنت والجماعت ایفای این وعده ها و ورود این نعمتها در زمانه خلافت خلفاء راشدین مهدیین رضوان الله علیهم اجمعین بوده است زیرا که همه موعود و موعود علیه فی زمانهم مجتمع و منطبق شده اند و ظهور راثر وعده خلافت حق سبحانه تعالی چنان شد که بر ایشان هیچ خوف و خطر از کسی نماند بلکه همه اعداء دین را هتتیخ کرده جمیع ملک و مال و خزانهای ایشان از روم و شام و ایران تحت تصرف خود آوردند و این غنیمتها مصداق ایفاء وعده

دیگر هم هستند چنانچه در سوره فتح ارشاد فرموده وعدکم الله مغانم
کثیرة تأخذونها چه اکه غنایم کثیره در زمانه خلفا حاصل
شده است و بعد از ان کسی را میسر نشد و با وجود این حکم ایشانها
در امن و امان غافل از عبادت معبود خود و مشغول بملک و مال
و متاع دنیوی بوده اند چنانچه حق سبحانه تعالی خود خبر داده که یعبدوننی
لا یشرکون بی شیئا و در سوره فتح هم فرموده ولیهدیکم
صراطا مستقیما همین طور ثابت و چهار سال با امن و امان
می گذرانیدند و بعد از ان اول کسانیکه کفران و ناسپاسی این نعمتها
کردند و فساد در امن و امان انداختند قاتلان حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه
بودند و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون
اشاره بسوی ایشان است و بعد از خلفای راشدین هیچ زمانه
منطبق نمی آید زیرا که از لفظ منکم و از آیت وعدکم الله
مغانم کثیرة تأخذونها ظاهر و صاف معلوم می گردد

که حق سبحانه تعالی وعده انگسان را کرده است که در زمانه جناب
رسالت مآب صلی الله علیه وسلم و وقت نزول این آیت موجود
بودند و غیر موجودین در وعده این آیت داخل نمیشوند و بالفرض
والتقدیر اگر مراد عام باشد تاہم مطابق نمی آید زیرا که حضرت
امام حسن رضی الله عنه بعد از شش ماه از شہادت حضرت علی
کرم الله وجهه خلع خلافت نموده گوشہ نشینی اختیار فرمودند و حضرت
امام حسین سید الشہدا رضی الله تعالی عنه از دست ظالمان مظلوم
شہید شدند و حضرت زین العابدین و دیگر امامان رضوان الله
علیهم اجمعین کسے از ایشان ہم خلیفه نبوده است پس نزد اہل تشیعه
اگر مصداق این آیت خلافت خلفاء راشدین مہدیین رضوان الله
علیهم اجمعین نیست پس کدام زمانه و کدام کس مصداق این آیت است
بینوا بالبرہان واجیبوا بالصواب و اگر کسے گوید
که مراد حضرت امیر است و صیغه جمع برای تعظیم و یا حضرت امیر و اولاد

آنجناب جواب حضرت امیر گرچه وقت نزول آیت موجود بودند
لیکن امن کامل و عدم خوف نیز در زمان ایشان حاصل نبود همیشه
از افواج شام خوف و هراس لاحق عمال و لشکریان آنجناب ماند
و معهذا حضرت امیر یکفرد است و لفظ جمع را بر یک کس حمل نمودن
خلاف وضع الفاظ و استعمال است و دیگر آنکه حق سبحانه تعالے
درین آیت برای خلفاء موعودین لفظ جمع را سیزده جا آورده است
هیچ جا بلفظ مفرد تعبیر نفرموده اگر این چنین استعمال الفاظ برای تعظیم بغیر
قرینه جایز داشته شود اعتبار کلی از وضع الفاظ برخیزد و هم بر معانی
قرآن اعتماد نماند و هیچ حکم از احکام دین و شریعت ثابت نگردد و ائمه
دیگر که بعد از حضرت امیر بودند عدم تسلط ایشان در زمین و عدم ازاله
خوف از ایشان نزد فریقین بر ظاهر است حاجت تحریر ندارد
و جواب دیگر آنکه خلافت در آیت مذکور مثل خلافت انبیاء
سابقین موعود است چنانچه ارشاد فرموده کما استخلف

الذین من قبلهم اگر زمانه خلفاء ثلثه خلافت موعوده قرار داده شود
بلکه غصب که بزعم اهل تشیع است مشبه با مشبه به مطابق نمی افتد
زیرا که غصب در خلافت امم سابقین واقع نشده است بلکه علی
الاتصال بوده است پس ازین مراد گرفتن تخلف در وعده
حق سبحانه تعالی لازم می آید و اگر کسی گوید که مراد حضرت امام
مهدی ست جوابش همان است که بالا مذکور شد که آنجناب فرد
واحد است و اطلاق جمع به واحد جایز نیست و هم در وقت
نزول آیت موجود نبودند حتی که هنوز در وجود ایشان اختلاف است
و هم نزد اهل تشیعه مخفی هستند حق سبحانه تعالی خلافت موعوده علی وجه
تشبیه با امم سابقه بیان فرموده و در امم سابقه کسی خلیفه مخفی نبوده است
آنجناب چگونه مصداق این آیت می توانند شد اگر کسی گوید که حضرت
علی کرم الله وجهه نزد سنیان خلیفه چهارم اند و از خلفاء حق سبحانه تعالی
وعده ازاله خوف فرموده است و چون با آنجناب همیشه از افواج

شام خوف وہراس لاحق ماند خلافت آنجناب چگونہ ثابت خواہد
گویم خلافت حضرت امیر نزد سنیان ثابت است زیراکہ حق سبحانہ تعالے
وعدہ ازالہ خوف از کفار نمودہ است وافواج شام فرق اہل اسلام بودند
وجنگ وجدال فیمابین اہل اسلام واقع شدہ بود نہ باکفار
حضرت امیر نزد سنیان مصداق آیت باخوبی می تواند شد
لیکن نزد اہل تشیعہ خلافت آنجناب ثابت نمیگردد زیراکہ افواج
شام رانسبت کفر می سازند ازین جہت نزد ایشان ازالہ خوف
از کفار نگردید مصداق آیت نمی تواند شد اگر کسی گوید کہ زمانہ
خلفا مصداق این آیت ہم نمی تواند شد زیراکہ از قولہ تعالے
وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ
معلوم می گردد کہ کسے خلیفہ سنیان خواہد بود کہ کفران وناسپاسی
این نعمت خواہد ورزید ونزد سنیان کسی خلیفہ کفران این
نعمت نکردہ است جواب این احتمال وقتی لائق اند بود کہ لفظ منھم

در قوله تعالے بود یعنی وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ و این چنان وارد نشده است این احتمال چگونه تواند شد و معهذا از صلاحیت و خلوص عبادت ایشان که خالی از ریا و شرک باشد حق سبحانہ تعالی خود خبر داد که یَعْبُدُوْنَنِیْ لَا یُشْرِکُوْنَ بِیْ شَیْئًا و دیگر آنکه حق سبحانہ تعالے آنکسانرا که وعده عطا کردن غنائم کثیره فرموده است وعده هدایت نمودن ایشانرا هم ارشاد فرمود که وَیَهْدِیَکُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِیْمًا وارد شده است و غنائم کثیره بعد جناب رسالت مآب صلی اللہ علیه وسلم بجز خلفا کسے را حاصل نشد کفران و ناسپاسی از ایشان چگونه متصور خواهد شد الغرض ازین آیت صاف معلوم میگردد که فساد و ناسپاسے از شخص غیر صادر خواهد گردید و اگر کسی گوید که مِنْ برای بیان است برای تبعیض نیست و استخلاف بمعنی توطن در زمین است گوئیم مفاد مِنْ بیانیه درانجا بغیر استخلاف بمعنی توطن مفاد من تبعیضیه هست زیراکه

اگر زید زاده پسر بودند بعض از ان کسے قتل نمود میتوان گفت که
پسران زید فلان را قتل نمود حال آنکه مرتکب فعل بعض شدند و در صورت
حمل بر بیان و استخلاف بمعنی توطن گرفتن قید و عملوا الصالحات
لغو می افتد زیرا که توطن در زمین چنانچه صالح را حاصل است
فاسق را نیز بلکه زیاده و خوب تر بلکه قید ایمان هم عبث هست زیرا که کفار را
نیز توطن در زمین حاصل هست و کلام لغو در قرآن محال است و فیما
ذکرنا کفایة لاهل البصر هدایة والهادی هو الله تعالی
پس التماس بعالی خدمت آنصاحبان که بارادهٔ جواب نویسی قلم بردارند
اولا تعصب و عناد را واگذاشته و طرفداری و نفسانیت را بر طرف
داشته عدل و انصاف را از دست ندهند تا که در زمرهٔ یحرفون
الکلم عن مواضعه داخل نشوند چرا که کلام در معانی قرآن است
که نزد فریقین مدار ایمان است نه چنانکه قصد تسوید کاغذ دارند
مطابق و موافق سوال افتد یا نه افتد و آخر دعوانا ان الحمد لله

رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا خَیْرِ خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَعِتْرَتِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَخُلَفَائِهٖ اَجْمَعِیْنَ

قطعۂ تاریخ تالیف رسالہ از نتائج افکار جناب شاہ محمد یحییٰ صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ

عظیم النفع تالیف عظیم فاضل کامل
مدلل ساختی ای یحییٰ ز قرآن کلام حق

در اثبات خلافت این رسالہ موجز کافیست
بیا بنگر اگر میداری ایقان کلام حق

و بہر کلک ندرت سلک یحییٰ سال تالیفش
رقم زد مسکت منکر ببرہان کلام حق

۱۲۸۹ ہجری

فقط